

کارگاه خانوادگی

به محض ورود به خانه، صدای چرخ‌های خیاطی‌رامی شنوم. این صدا از اتاق کوچکی می‌آید که حالا تبدیل به کارگاه خیاطی شده است. چفت درچفت میزها را کنار هم چیده‌اند و مشغول کارند. فاطمه کرانی هم مثل بقیه پشت یک چرخ نشسته و تمام حواسش را به کار داده است. وقت‌هایی که پشت چرخ می‌نشیند، از دنیای اطرافش به جای دیگری پرت می‌شود. همه هنرش را خرج پارچه کنار دستش می‌کند و دلش می‌خواهد بهترین خروجی را داشته باشد. فاطمه این شوق و استعداد را از پدر و مادرش به ارث برده. پدرش، علی اصغر کرانی، در سال‌های کودکی فاطمه در پنج‌راه پایین خیابان کارگاه خیاطی داشت و همه اعضای خانواده در آن کنار هم کار می‌کردند. فاطمه خانم در همان کارگاه، خیاطی را یاد گرفت؛ نه در کلاس و دوره‌های رسمی، بلکه لایه‌لایه دوختن و بریدن‌های شبانه‌روزی در کارگاه خانوادگی؛ «از کودکی کنار پدرم کار می‌کردم. اولش فقط کار بسته‌بندی و اتوی لباس‌ها را انجام می‌دادم. ولی کم‌کم رسته دوزی و سردوزی را هم آموختم.»

بچه کنارم بود و من کار می‌کردم

فاطمه در شانزده سالگی ازدواج کرد و چند سالی از فضای کار فاصله گرفت، اما خیاطی هیچ‌وقت از ذهنش نرفت. با وجود فرزندان کوچک و مشغله‌های خانه، باز هم دنبال راهی بود تا چرخ خیاطی را کنار نگذارد؛ «وقتی دختر اولم را به دنیا آوردم، مدتی نشد کار کنم. اما بعد دیدم نمی‌توانم بیکار باشم. یک چرخ داخل خانه گذاشتم؛ بچه کنارم بود و من کار می‌کردم.» زندگی پرفراز و نشیب بود. مدتی بعد مجبور شد همان چرخ خیاطی را بفروشد تا کمک حال همسرش باشد. اما هیچ‌وقت به تعطیل کردن کار فکر نکرد. دوره‌ای که چرخ خیاطی نداشت، لباس‌ها را از تولیدی‌ها می‌گرفت و فقط بسته‌بندی لباس انجام می‌داد؛ «بعد از کمی رونق گرفتن کار همسرم، با کمک او یک چرخ خیاطی جدید خریدم و بعد یکی یکی چرخ‌های دیگر هم اضافه شدند.»

پایگاه حمایتی برای بانوان

با گذشت زمان و بزرگ‌تر شدن بچه‌ها، فاطمه برای گسترش کارش فرصت بیشتری پیدا کرد. حالا چهار چرخ خیاطی در خانه دارد و کلی ابزار دیگر. نیروهای کارگاه کوچکش هم دوست و همسایه‌هایی هستند که فاطمه در مسجد امام رضا^(ع)، پایگاه بسیج شیفتگان و... با آن‌ها آشنا شده است؛ خانم‌های هنرمندی که بستری برای بروز هنرشان نداشتند.

حالا اتاق کار فاطمه فقط یک فضای کارگاهی ساده نیست؛ بلکه یک پایگاه حمایتی است برای زنانی که می‌خواهند مهارتی یاد بگیرند و کاری دست و پا کنند. او به افراد مبتدی هم به رایگان هنرش را آموزش می‌دهد؛ از مهارت کار با چرخ می‌گوید و ترفندهای خیاطی. با همسایه‌ها رابطه‌ای صمیمانه و نزدیک دارد. می‌گوید: ما بیشتر شبیه به دوست و خواهر هستیم تا همکار!

تغییر مسیر کاری

هفت سال از راه‌اندازی این کارگاه خانگی می‌گذرد. در این بین به مدت یک سال هم کارگاهی را در همین محله اجاره کرد تا فضای شخصی و کاری‌اش یکی نباشند اما به دلیل هزینه‌های زیاد اجاره دوباره به روال سابق برگشت. او طی این سال‌ها تغییراتی هم در مسیر کاری‌اش داشته است. دوخت لباس بچگانه و تیشرت را کنار گذاشته و رفته‌رفته سراغ تولید محصولات حجاب؛ «تولید محصولات حجاب برای فضای کوچک کار من مناسب‌تر بود. خانه کوچک است و ساق دست، چادر و مقنعه، فضای زیادی اشغال نمی‌کنند.» فاطمه مدتی بایکی از معروف‌ترین فروشگاه‌های تولید محصولات حجاب همکاری می‌کرد سفارش می‌گرفت، نمونه می‌زد و اعتماد مشتری‌ها را جلب می‌کرد. حالا طی این سال‌ها تبدیل به یک خیاط سرشناس شده است. حتی برش کارها با او تماس می‌گیرند تا درباره نوع برش از او مشورت بگیرند. تولیدی‌ها هم نظرش را درباره‌ترین لباس می‌پرسند.

نذر آموزش و دوخت رایگان

فاطمه خانم کرانی با وجود پیشرفتی که در کارش داشته، همه آرمان و اهدافش را در کار و پیشرفت اقتصادی خلاصه نکرده است. خیلی کارها را برای دل خودش انجام می‌دهد. در همین راستا از پنج سال پیش نذر کرد که برای بانوان و دختران محله به رایگان چادر بدوزد و هنوز هم می‌دوزد؛ «برای ترویج عفاف و حجاب نذر کردم هر چادری که برای خانمی



داستان جلد

نیکو عقیده! در رؤیاهای کودکی، خودش را مثل پدرش، مسئول یک کارگاه خیاطی می‌دید و از ذوق در پوستش نمی‌گنجید. ساعت‌ها در کارگاه پدر کنار دیگر اعضای خانواده پشت چرخ می‌نشست و رؤیای پردازی می‌کرد. فکر می‌کرد که یک روز بالاخره کارگاه خودش را دارد و برای دیگران کارآفرینی می‌کند. رؤیای فاطمه کرانی حالا محقق شده و اتاق کوچک خانه‌اش تبدیل به کارگاهی برای زنان هنرمند محله شده است؛ زنانی که زیر نظر او آموزش دیده و به درآمد رسیده‌اند. اما فعالیت‌هایش به همین جا ختم نمی‌شود. او عضو فعال بسیج محله انصار هم هست و بارها برای خانم‌های پایگاه، کلاس خیاطی رایگان برگزار کرده. بنابه نذری که پنج سال پیش کرده، حالا برای بانوان به رایگان چادر هم می‌دوزد. اما آخر سر، خودش مهم‌ترین دستاورد زندگی‌اش را آموزش و ایجاد اشتغال برای همسایه‌هایش می‌داند.



تا خدمتی در جهت پیشرفت محله انجام دهد؛ «با درخواست خانم‌ها و استقبال آن‌ها چند دوره در پایگاه، کلاس خیاطی برگزار کردم. خیلی از آن خانم‌ها حالا مستقیم و غیرمستقیم در دوخت سفارش‌ها با من همکاری می‌کنند.» فاطمه کرانی به واسطه فعالیت‌هایش در پایگاه بسیج، خادم افتخاری حرم امام رضا^(ع) هم هست. چهارشنبه‌شب‌ها خودش را به حرم می‌رساند تا آنجا هم سهمی در خدمت‌رسانی داشته باشد.

می‌دوزم، به نیت حضرت زهرا^(س) و رایگان باشد.» او زکات مهارت و علمی را که به دست آورده است، به شیوه خودش پرداخت می‌کند؛ «بارها در مدارس برای دختران محله، کلاس آموزش رایگان خیاطی گذاشته‌ام. از جمله مدارس مصلی‌نژاد، طاهباز و...» این کلاس‌های رایگان را در پایگاه بسیج محله هم برگزار می‌کند. فاطمه خانم یکی از اولین اعضای پایگاه بسیج شیفتگان در محله انصار بود. همان سال‌های اولیه تشکیل پایگاه عضو شد